

نقش معلمان در تربیت فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان

مرتضی بازدار

مدرس دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل
E-mail: (mortezaani@yahoo.com)

کیوان شیخی

دانشجوی کارشناسی پیوسته رشته علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل (مرکز آموزشی آزادگان نیر)
E-mail: (Sayyad.sameh.1370@gmail.com)

مصطفی رضائی ارده جانی

دانشجوی کارشناسی پیوسته رشته علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل (مرکز آموزشی آزادگان نیر)
E-mail: (mostafarezai.rez1@yahoo.com)

صیادسامه آیلاز

دانشجوی کارشناسی پیوسته رشته علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل (مرکز آموزشی آزادگان نیر)
E-mail: (Sayyad.sameh.1370@gmail.com)

چکیده

معلمان یکی از افراد کلیدی هستند که نقش مهمی در پرورش نیروهای فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی در زندگی دانش آموزان دارند و می توانند دانش آموزان را که جزئی از افراد جامعه هستند و در آینده نقش ایفا می کنند هدایت و راهنمایی کنند تا بتوانند آینده ی جامعه خود را به دست خود رقم زنند. یکی از فعالیتهای لازم و ضروری برای معلمان آشنایی آنها به فرهنگ جامعه خود است. معلمی که فرهنگ جامعه خود را بشناسد خیلی بهتر مفاهیم فرهنگ جامعه را به دانش آموز یاد می دهد تا معلمی که به فرهنگ جامعه خود آشنایی کامل ندارد. از هدفهای آموزش دانش آموزان توسط معلمان این است که آنها بتوانند در زندگی روزمره خود تصمیم هایی درست و عاقلانه بگیرند تا این که دانش آموزان بتوانند به طور مؤثر در زندگی اجتماعی شرکت کنند. و تا زمانی که افراد جامعه مهارت ها و عادات معینی را در خود پرورش ندهند نمی توانند به موفقیت و رضایت خاطر به زندگی اجتماعی ادامه دهند. جهان و جامعه در حال تغییر و تحول و روبه پیشرفت هستند. این پیشرفت ها در جامعه ممکن است مفید و در موارد دیگر زیانبار باشند. وظیفه معلمان در این زمینه آگاهی دادن دانش آموزان در استفاده از این تکنولوژی های روز به نحوی که نه به خود و نه به جامعه ضرری وارد کنند. بعضی از کشورها قصد و هدف تغییر یا از بین بردن فرهنگ کشورهای اسلامی را دارند معلمان را می توان به عنوان حافظ و مدافع این فرهنگ ها دانست زیرا آنها می توانند با در اختیار گذاشتن اطلاعات و آگاهی دادن به دانش آموزان، آنان را از قصد و هدف دشمنان آگاه سازند. یکی از راه های تأثیر گذاری معلم در تربیت و شخصیت دانش آموزان، داشتن محبوبیت و مقبولیت در نزد دانش آموزان است. معلمی که در نزد دانش آموز محبوبیت داشته باشد بهتر می تواند از لحاظ تربیتی در ذهن و اندیشه دانش آموز نفوذ کند تا معلمی که محبوبیتی در بین دانش آموزان ندارد.

واژگان کلیدی: معلم، تربیت فرهنگی، تربیت اجتماعی، دانش آموز

مقدمه

در آغاز قرن بیست و یکم، به تعلیم و تربیت بیش از گذشت توجه شده است تا جوامع بشری بتوانند با ایجاد تحول و افزایش کارایی های و کفایت در این زیرمجموعه نظام های اجتماعی، با چالش های موجود به گونه ای سازنده روبرو شوند و برای عبور از آنها بستری مناسب تر، کارسازتر و موجه تر در اختیار داشته باشند. به دیگر سخن، بشر امروز به خوبی دریافته است که تحول در آموزش و پرورش پیش نیازی است برای پاسخ گویی به چالش های علمی، صنعتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی و دستیابی به توسعه پایدار. اولویت اول به معلم تعلق می گیرد. چون، کارگزار اصلی تعلیم و تربیت به حساب می آید و تحقق اهداف متعالی نظام و تربیت، در هر بعد و اندازه ای که باشد، با واسطه معلم صورت می پذیرد. آنچه دانش آموزان کسب می کنند، بیش از هر چیز، متأثر از خصوصیات، کیفیات و شایستگی های علمی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی معلمان است. کافی است بر محورهایی که بر تغییر و تحول در نظام های تعلیم و تربیت در سطح ملی و بین المللی مطرح شده اند نگاهی، هر چند گذرا، داشته باشیم تا دریابیم بدون در نظر گرفتن جایگاه ویژه برای عنصر معلم، هیچ یک از خواسته ها تحقق نخواهد یافت. (رووف، ۱۳۷۹).

متن**مفهوم و تعریف معلم**

معلم در فرهنگ معین، تعلیم دهنده و آموزنده، معنی شده است و در فرهنگ عمید، تعلیم دهنده، آموزاننده و آموزگار و در لغت نامه دهخدا نیز آموزنده، آموزاننده، تعلیم دهنده، آموزگار و شیخ معنی شده است. امروزه در نظام های آموزشی و پرورشی جهانی معلم به معنی خاص به کسی اطلاق می شود که واجد ویژگی ها و صلاحیت های مشخص بوده و حرفه و شغل او تعلیم است. (اسدی گرمارودی، ۱۳۹۲).

می توان بر اساس دیدگاه اسلامی تعریف ذیل را از تربیت ارائه نمود:

«تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته ۱ هویت متریبان، به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیرآماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ۲ ابعاد». (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

فرهنگ

عموماً فرهنگ یک جامعه یعنی راه های زندگی آن جامعه. فرهنگ به معنای آداب خوب نیز استعمال شده است. فرهنگ از نظر یک جامعه شناس شامل کلیه رفتارهایی است که در زندگی اجتماعی آموخته شده و از طرق گوناگون بین نسلهای مختلف یا افراد یک نسل انتقال پیدا کرده است (شریعتمداری، ۱۳۹۲). فرهنگ مجموعه پیچیده ای است که شامل، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانینی، سنن و بلاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی که فرد به عنوان عضو جامعه خود فرا می گیرد. (مرتضوی و دیگران، ۱۳۸۸). حضرت امام خمینی (ره) پیرامون فرهنگ فرمودند: «اگر فرهنگ درست شود، یک مملکت اصلاح می شود» (صحیفه نور، ج ۱، ۳۹۰). در بیان و اندیشه نایب بر حقیقت مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با تعبیری همچون: «فرهنگ روح در کالبد هر جامعه است»، (فرهنگ ستون فقرات حیاط یک ملت و هویت یک ملت است)، (فرهنگ بستر زندگی انسان است)، «فرهنگ مثل هواست»، (همه راه ها واقعا به فرهنگ ختم می شود) «قوم یک ملت به فرهنگ است»، «فرهنگ یک ملت، منشا عمده تحولات آن ملت است» (اسدی گرمارودی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸). تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ناظر به آماده

سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شأن اجتماعی و سیاسی حیات طیبه؛ (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰). تربیت اقتصادی و حرفه ای؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شأن اقتصادی و حرفه ای حیات طیبه. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

ویژگی های معلمان

معلمان باید قادر به ایجاد انعکاس در خود و در جامعه خود باشند و از بکارگیری تحلیل انتقادی در ایجاد پرسش های بنیادی درباره تقسیم نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زندگی خود و زندگی دانش آموزان خود آن چنان که آنها بتوانند همه برای مشارکت (و تغییر) در جهان بزرگ آماده باشند آنها باید در تحلیل انتقادی ایدئولوژی ها، ارزشی ها و تمایلاتی که نقش آنها را آگاه می سازند توانا باشند آن چنان که معلمان و سیاست های فرهنگی را در کلاس ترویج نمایند. توانایی در تحلیل روابط خود با جامعه بزرگ در نظم برای درک انتقادی از خود به عنوان توانمندی نماینده های اجتماعی تایید که آنها می توانند همدست با اشکال افسردگی و رنج انسان باشد. توانا در تحلیل عمیق نیروهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که در بی عدالتی و نابرابری در جامعه خود مشارکت کنند؛ و آماده تخیل جامعه بهتر آینده و عمل در بوجود آوردنشان. (اسکایرو، ۱۳۹۲).

معلم و فرهنگ

مطالعه فرهنگ و عناصر عمده آن برای هر فرد لازم و ضروری است، اما پیش از همه معلم باید به فرهنگ جامعه آشنا باشد. مدرسه هدف خود را از جامعه می گیرد و یکی از وظایف مدرسه آشنا ساختن افراد به فرهنگ جامعه است. بنابراین، برای اینکه معلم بهتر ریشه و اساس هدفهای تربیتی را درک کند و با وضع صحیح تری شاگردان را به امور فرهنگی آشنا سازد، باید مطالعاتی عمیق و اساسی درباره فرهنگ جامعه داشته باشد. تهیه برنامه تعلیماتی و انتخاب مواد مفید و لازم، کار مدرسه و معلم است. در هر جامعه منبع قدرت و منشا افکار و عقاید، اموری خاص می باشند. در جامعه ای علم و منطق هادی و راهنمای افراد در رفتار و عقاید و افکار آنهاست، در جامعه دیگر آداب و رسوم و سنتهای گذشته حاکم بر اعمال و افکار می باشند؛ در یک اجتماع عقاید دینی به طور موثر نفوذ دارند و در جامعه دیگر هر یک از این عوامل در حد خود در افکار و نظریات و عادات مردم تاثیر دارد. بنابراین معلم باید کاملاً به وضع فرهنگی و اجتماعی آشنا باشد تا بهتر بتواند وظیفه تربیتی خود را انجام دهد. (شریعتمداری، ۱۳۹۲). تغییر و توسعه وسایل ارتباطی برای دستگاه تربیتی با معلم، اموری را مطرح می کند. همان طور که وسایل ارتباطی مثل روزنامه، مجله، کتاب، فیلم، رادیو و تلویزیون روی عادات، تمایلات، افکار و عقاید افراد تأثیر می کنند؛ مربیان باید در مقابل تاثیر این عوامل در برنامه تربیتی نکاتی را در نظر داشته باشند. هر یک از این وسایل ممکن است اثر بد یا خوب روی فرد بگذارد، ضمناً استفاده از این وسایل آمادگی خاصی لازم دارد؛ از طرفی بیشتر این وسایل در دنیای امروز جنبه تبلیغاتی پیدا کرده است. بنابراین باید شاگردان مدارس را از لحاظ طرز تفکر انتقادی چنان مجهز نمود که بتوانند در مقابل این گونه وسایل و تاثیر آنها مقاومت کنند و در استفاده از آنها حسن انتخاب بخرج دهند. (شریعتمداری، ۱۳۹۲).

محبوبیت معلم

محبوبیت معلم از دیگر شرایط لازم برای تاثیرگذاری بر شخصیت دانش آموزان است و بدون این شرط، تاثیر معلم در بهترین حالت محدود به ذهن و شناخت دانش آموز است. محبوبیت معلم به او این امکان را می دهد تا به آسانی موانع تبدیل باور ذهنی به ایمان قلبی را از میان بردارد و بدین تربیت، بذر باورهای دینی را در روح و قلب دانش آموزان به بار بنشانند. (داوودی، ۱۳۹۰). هدف عمده آموزش توانا کردن دانش آموز برای تصمیم گیری ها در زندگی روزمره است به همین دلیل دانش آموز

باید، در فرآیند آموزش، مهارتهای لازم برای خود ارزیابی کردن را نیز فرا بگیرد. آگاه شدن دانش آموز در فرایند ارزشیابی خود او را به فرد آگاهی تبدیل می کند که به فراشناخت رسیده است که میتوان معلم را به عنوان الگوی یلدگیری دانش آموز معرفی کرد. (رستگار، ۱۳۸۲).

معلم در نقش مدافع مرزهای فرهنگی

در برخی روایات، عالم و معلم پاسدار مرزهای فرهنگی مسلمانان شمرده شده اند. از آنجا که اسلام همواره مخالفانی دارد که تلاش می کنند حقانیت و مقبولیت عقاید، ارزشها و معارف آن را زیر سوال ببرند، لازم است گروهی از این مرزها مانند مرزهای جغرافیایی مسلمانان، حراست کنند. در یک جمع بندی کلی می توان گفت: «معلم در متون دینی مقام و منزلت پیامبر است و همان نقشهایی را بر عهده دارد که پیامبران داشتند؛ یعنی نقش تبیین و ترویج معارف اسلامی، هدایتگری، روشنگری، و دفاع از مرزهای فرهنگی اسلام. از آنجا که نقش و مقام معلمان مهم و اساسی است، مسئولیت آنان نیز بسیار سنگین است؛ زیرا دو چیز گرانبها به امانت در اختیار آنان قرار داده شده است: نخست علم و فرهنگ اسلامی و دیگر، نسل جدید جامعه، نگهداری و حراست از این دو، نیاز به فداکاری و تلاش دارد. امام خمینی (ره) می فرماید: «معلم امانت داری است که غیر همه امانتها، انسان امانت اوست. (داوودی، ۱۳۹۰). در لایه برداری سطوح مختلف و نگاه عمیق و دور از غرض ورزی نخستین گام در تحول در آموزش و فرهنگ و اقتصاد است. پرورش خوب نسل نوپا بازبینی نحوه تربیت در خانواده ها و به موازات آن تحول در سیستم آموزش کشور از الف تا ی در ساخت یک فرد مقتدر ضروری است. برای نسل حاضر ایجاد انگیزه و بستر سازی مناسب برای ارتباط سودمند در بین آنان گامی مؤثر در پویایی، تحول در فرهنگ و اندیشه، رشد و شکوفایی کمالات آدمی است. (شفائی، ۱۹۹۳).

اهداف ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی

- بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش های جامعه در پرتو نظام معیار اسلامی.
- درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی، به منظور ساختن آینده ای روشن و تأثیرگذاری بر آینده خود و جامعه در سطح ملی و جهانی؛ توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران در پرتو درک و اصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و همشهریان و هموطنان و...)، برقراری رابطه سازنده و مناسب با ایشان بر اساس نظام معیار اسلامی و کسب صفاتی جمعی نظیر احسان، مهرورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق، همدلی و مسالمت جویی.
- آمادگی جهت تشکیل خانواده و حفظ و تداوم آن به مثابه مهم ترین نهاد تحقق بخش جامعه صالح براساس ارزشهای نظام معیار اسلامی.
- تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش های اجتماعی در جهت شکل گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی.
- بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، همراه با توجه به نیازهای حال و آینده جامعه و تلاش جهت تحقق امت واحده اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی.
- تلاش برای ارتقای ابعاد مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) هویت خویش به طور یک پارچه و براساس نظام معیار اسلامی.
- مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق طلبی، حفظ کرامت و عزت، ظلم ستیزی، عدالت خواهی، کسب و حفظ استقلال همه جانبه، مراعات حقوق و آزادی های مشروع دیگران، پیشرفت مردم سالاری دینی، بسط

عدالت اجتماعی، حفظ وحدت و تفاهم ملی، تعامل میان فرهنگی و تفاهم بین المللی بر اساس نظام معیار اسلامی. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰). یکی از صلاحیت های حرفه ای معلمان داشتن صلاحیتهای عمومی است که مهمترین آنها رابطه معلم و شاگردی است. باید بر رابطه معلم و شاگردی بیش از پیش تأکید کرد و امید داشت این رابطه، تحولات مهمی را در پی داشته باشد. شاگردان، عموماً در نتیجه تماس با معلم از نظر فکری متحول می شوند. این تحول مهم است زیرا هیچ کس نمی تواند بدون تفکر، زندگی خوبی داشته باشد. تعلیم و تربیت باید به گونه ای باشد که در آن شاگرد و معلم به رغم تفاوت در نوع و میزان دانش، در شرایط یکسانی از مناسبات انسانی باشند و هر کس در این ارتباط هم یاد دهنده و هم یادگیرنده باشد. چنین ارتباطی، به جای رقابت، بر همکاری که تجارب یادگیری مثبت تری را برای دانش آموزان در بردارد تأکید می کند. بهبود رابطه دانش آموزان با یکدیگر و نیز رشد دائمی «عزت نفس» در ایشان، از نکات مورد توجه این معلمان است. (شرکایی و دیگران، ۱۳۹۲).

بازسازان اجتماعی بر این باورند که معلمان باید برای آمادگی، نیرومندی، روشنگری و رویه اجتماعی، رهبری، آمادگی و صلاحیت برای چالش با قدرت تمایلات خود پسندانه و با دفاع کردن از انگیزه توده مردم واجد شرایط باشند. این هم بدان معنی که معلمان باید افرادی باشند که در تب و تاب در جهت آگاهی از بی عدالتی و تصمیم به تصحیح آن باشند. و این که معلمان باید به شکل سنجیده ای به قدرت و آنگاه بیشترین قدرت نائل شوند و این که معلمان باید بیش از آن که پیروان باشند، باید رهبران باشند. (اسکایرو، ۱۳۹۲). بازسازی توسط تعلیم و تربیت؛ تعلیم و تربیت در بسیاری از موقعیت هایی رخ می دهد که شامل خانواده، انجمن و مدرسه می شود. بازسازان اجتماعی می خواستند تعلیم و تربیت که در همه این موقعیت ها رخ می دهد را تحت تأثیر قرار دهند و باور کنند که شغل مربیان انجام دادن آن است. اگرچه آن در مدرسه یعنی، جایی که مربیان تلاش های خود را در آن متمرکز می نمایند، خواه که مدرسه در ساختمان مدرسه، خانه، کارخانه یا پارک واقع شده باشد. (اسکایرو، ۱۳۹۲).

تعلیم و تربیت و تغییر اجتماعی؛ پرسش از چگونگی بازسازی اجتماعی (دیدگاه آنهایی که از طریق اقلیت جامعه حفظ می شوند) جامعه را از آنچه که برای آن بهترین است متقاعد می سازد و بنابراین به وجود آوردن توافق اجتماعی مطلوب، پرسش ها را درباره مسئولیت مدنی مربیان در جامعه ای که آنها خدمت می کنند، تعهد در امور سیاسی، اجتماعی سازی، فرهنگ پذیری، یا تلقین اکثریت اجتماعی از طریق یک اقلیت افزایش می دهد. این پرسش ها به این دلیل ایجاد می شدند که بازسازان اجتماعی باور دارند که بینش آنها در ماهیت جامعه و آنچه برای توده مردم خوب است، مافوق و متفاوت از توده مردم است و آنها باور دارند که شغل آنها در انتقال پایه دانش و ارزش های جامعه آن چنان که موافق با ارزش های خود هستند، است. (اسکایرو، ۱۳۹۲).

صلاحیت های اجتماعی و تعلیم و تربیت

یکی از وظایف عمده موسسات تربیتی آماده کردن افراد جهت زندگی اجتماعی است. برای اینکه افراد بتوانند به طور موثر در زندگی اجتماعی شرکت کنند باید واجد شرایط و صلاحیتهای خاصی باشند. به عبارت دیگر تا افراد یک جامعه مهارتها و عادات معینی را در خود رشد ندهند نمی توانند وضعی توأم با موفقیت و رضایت خاطر در زندگی اجتماعی برای خود بوجود آورند. (شریعتمداری، ۱۳۹۲).

در مبانی نظری تحول بنیادین در بند ۲-۳-۴ درباره ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی به موارد زیر اشاره شده است:

الف) حدود و قلمرو

ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی هایی است که متریبان را قادر می سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. قلمرو ساحت تربیت اجتماعی سیاسی شامل موارد زیر است:

ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران و...)، - تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی (رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش های اجتماعی)، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین المللی، حفظ وحدت و تفاهم، توانایی های زبان ملی (فارسی) محلی، جهانی (عربی، انگلیسی و...) است.

ب) رویکرد

جهت گیری ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت برای عضویت فضیلت مدارانه در "خانواده صالح و جامعه صالح" است. ارتباط با خانواده یکی از اساسی ترین مؤلفه های ارتباط است که در شکل گیری بنیادی های هویت انسان ها نقشی انکار نشدنی دارد. بر این اساس، زندگی خانوادگی، آمادگی برای آن و شکل گیری و تداوم این شکل از حیات اجتماعی از مؤلفه ای اصلی و اساسی تربیت اجتماعی است. در تربیت رسمی و عمومی، صرف نظر از تأکید بر شایستگی های پایه (عواملی که به تقویت نهاد خانواده منجر می شوند و از لوازم استحکام خانواده محسوب می گردند، به نقش های جنسیتی مانند نقش پدری و نقش مادری نیز توجه جدی می شود. در واقع آمادگی برای زندگی مشترک خانوادگی از شایستگی های مشترکی است که چنانچه گذشت در کانون توجه تربیت رسمی و عمومی نیز قرار می گیرد، اما رویکرد تربیت جنسیتی در تربیت رسمی و عمومی یک رویکرد نرم است. منظور از رویکرد نرم توجه به سطح رشدی است و این که وظیفه اصلی ایجاد آمادگی برای تشکیل خانواده (ازدواج) برعهده نهادهای ذی ربط خواهد بود. اما به هر حال تربیت رسمی و عمومی آمادگی های لازم را برای کسب صفات و توانمندی ها و مهارت های لازم را برای زندگی خانوادگی و در واقع، تکوین هویت جنسیتی متریبان فراهم می آورد. به طور کلی تربیت رسمی و عمومی، با توجه به ظرفیت های خود، برای دنبال کردن سیاست تشکیل و حفظ خانواده صالح و در راستای شکل گیری جامعه صالح، زمینه های لازم را دنبال خواهد نمود ایجاد به آمادگی برای عضویت در جامعه صالح، به لحاظ اهمیت کلیدی و از شهروندی، در مباحث مربوط به تربیت اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. بی گمان تربیت شهروندان خوب یکی از دل مشغولی های اکثر نظام های تربیتی در بسیاری از کشورهای دنیاست. مسائل و مشکلاتی هم که در حوزه اجتماعی در کشورمان پدید می آید ضرورت باز اندیشی در تربیت شهروندی را می طلبد.

ج) اصول

- توجه به روابط سازنده تربیتی و جامعه
- فراهم ساختن زمینه خروج تربیتی از خودمحوری، خودکامگی و استبداد
- نگرستن به حقوق و مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی به صورت دو عنصر مکمل
- مورد نظر قرار گرفتن فردیت ممتاز و متمایز آدمی و عزت تربیتی و جامعه
- تأکید بر قانونمندی و قانون مداری (پذیرش قانون اساسی کشور به مثابه میثاق ملی)
- توجه به شایستگی های پایه برای مشارکت فعال (عمل آگاهانه و آزادانه) متریبان در حیات خانوادگی، مدرسه های، اجتماعی و سیاسی (مدیریت زندگی فردی و اجتماعی)
- توجه به شایستگی های پایه و ویژه (با رویکرد نرم) برای تشکیل خانواده صالح به مثابه مولفه اساسی و تداوم بخش حیات جامعه صالح

- توجه به بازیابی موقعیت خود در دامنه سنت های اجتماعی و در بستر فرهنگ و روابط و روابط اجتماعی و خانوادگی با نگاهی گزینشی و اقدام برای اصلاح و بهبود مستمر آن تناسب دارد.
- تأکید بر هویت مشترک انسانی، اسلامی، ایرانی (برای وحدت ملی و انسجام اجتماعی)
- تأکید بر اصل تولا و تبراً و ولایت پذیری
- تأکید بر ظلم ستیزی و عدم ظلم پذیری
- تأکید بر رسالت جهانی و مسئولیت بشری و گسترش عدالت در جهان
- تأکید بر مدارا و تحمل عقاید مخالف و خرده فرهنگها در سطح ملی و جهانی
- تأکید بر پرورش منش آزادگی در هویت متربیان
- طرد تفکیک میان دین و سیاست، حق و تکلیف، اختیار و وظیفه و عبادت و کار
- توجه به میراث ادبیات فارسی در جهت انتقال ارز شهای اصیل اخلاقی
- توجه به میراث ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در راستای ایجاد هویت مشترک ایرانی و اسلامی.
- (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰). معلم به عنوان همکار؛ بازسازی اجتماعی معلم رابه عنوان یک همکار یا همراه می بینند، کسی که دانش آموزان بیشتر به عنوان قدرتی که برایشان کنترل دارد، ببینند معلم و دانش آموزان در یک طرف از بحث و تجربه در نظر گرفته می شوند. آنها بر علیه زشتی های جهان متحد می شوند. آنها همدیگر را تکمیل می کنند بیش از آن که با یکدیگر نجات دهند. آنها تدریس می کنند و از یکدیگر یاد می گیرند؛ آنجا معلمان و دانش آموزان نیستند، اما معلم دانش آموزان و دانش آموز معلمان هستند. (اسکایرو، ۱۳۹۲).
- میشل استفان اسکایرو در کتاب نظریه برنامه درسی دیدگاه های معارض و مساله های مداوم در خصوص ایدئولوژی های انتخاب معلم چهار ایدئولوژی برنامه درسی را مطرح می کند که ایدئولوژی کارآمدی اجتماعی، ایدئولوژی پژوهش علمی، ایدئولوژی یادگیرنده محور و ایدئولوژی بازسازی اجتماعی بین این ایدئولوژی ها، ایدئولوژی کارآمدی اجتماعی و بازسازی اجتماعی بیشتر در زمینه اجتماعی کردن دانش آموزان نقش ایفا می کند.
- ایدئولوژی کارآیی اجتماعی**
- مدافعان ایدئولوژی کارآیی اجتماعی بر این باور هستند که هدف از تحصیل برآورده ساختن نیازهای اجتماعی به صورت کارآمد به وسیله کارورزی جوانان در کارکرد، آن گونه که در آینده عضو رشد یافته موثر جامعه باشند، است. هدف آنها ورزیدگی جوانان در مهارت ها و روش های زندگی کردن که آنها در محل کار و در خانه برای زندگی ثمر بخش و استمرار عملکردشان در جامعه نیاز خواهند داشت. مشترکان در ایدئولوژی کارآیی اجتماعی به قابل اجرا بودن ارزش ماهیت عملی مستلزم کارکردهایی برای بهره وری اجتماعی است. معلمان با انتخاب و استفاده از ایدئولوژی آموزشی که برای کمک به یادگیرندگان برای به دست آوردن رفتارهای تعریف شده در برنامه درسی خود طراحی شده است. امر آموزش را اداره می کنند.
- آموزش و تعلیم به موجب رفتارهایی که به روشنی تعریف و معین شده اند هدایت می شوند، و شاگردان چه بسا برای به دست آوردن و حفظ تبحر در مهارت ها به تمرین قابل توجهی نیاز داشته باشند. نخستین وظیفه ی مربیانی که اعتقاد به ایدئولوژی کارآیی اجتماعی دارند مشخص کردن نیازهای جامعه است (یا هر تخصصی که هر مراجعی دارد) است. چیزهایی که این نیازها را برآورده خواهند نمود هدف های پایانی برنامه درسی نامیده شده است. در نتیجه مربیان بایستی موثرترین راه را برای تولید محصول (فرد تعلیم دیده) بیابند، فردی که از عهده ی اهداف نهایی برنامه ی درسی برآید و از این رو نیازهای جامعه را تحقق ببخشد. پیروان ایدئولوژی کارآمدی اجتماعی باور دارند که کارآمدترین دست یابی به هدف های پایانی برنامه درسی نتایج کاربست معمول روش علمی در تدوین برنامه درسی است. (اسکایرو، ۱۳۹۲).

ایدئولوژی بازسازی اجتماعی

پیروان بازسازی اجتماعی از مسائل جامعه ما و بی عدالتی های رفته بر افراد آن همچون بی عدالتی هایی که از نابرابری های نژادی، جنسیتی، اجتماعی، و اقتصادی ناشی شده اند آگاه هستند. آنها تصور می کنند که هدف تعلیم و تربیت تسهیل، ساختن یک جامعه جدیدتر و عادلانه تر است که حداکثر رضایت را برای همه اعضای آن فراهم می کند. به این علت، افراد معتقد به ایدئولوژی بازسازی اجتماعی اعتقاد دارند که هیچ فرد شایسته، آموزش مناسب، حقیقت، یا دانشی را نمی توان سراغ داشت مگر آن که درکی نسبی در خصوص ماهیت جامعه ی خوب داشته باشیم. آنها به تجربه های آدمی به شکل بسیار نیرومند در آمده از طریق عوامل فرهنگی توجه نموده و بر این باورند که معنی در زندگی افراد بوسیله تجربه های اجتماعی آنها تعیین می شود. آنها بر این باورند که حقیقت و دانش مبتنی بر مفروضات فرهنگی بوده و از آن طریق تعریف می شوند. (اسکایرو، ۱۳۹۲).

طرح های مسایل اجتماعی (بازسازی گرای)

در حالی که عده ای از مربیان از جمله استریت مایر، پافشاری می کنند که علایق بچه ها باید رهنمود انتخاب محتوای برنامه درسی و تجربیات باشد، مربیان دیگر هنوز معتقدند که برنامه درسی باید مسائل اجتماعی روز و پروژه های کنش اجتماعی را که هدفشان بازسازی جامعه است، مطرح نمایند. این افراد که به رابطه برنامه درسی با رشد اجتماعی سیاسی و اقتصادی جامعه علاقه مندند، معتقدند که مربیان از طریق برنامه درسی می توانند بر تغییرات اجتماعی تاثیر بگذارند و به صورت غایی جامعه ای عادل و منطقی به وجود آورند. (احقر، ۱۳۸۴).

در میان موسسات اجتماعی، موسسات تربیتی نقش خاص بعهده دارند و مدرسه یک موسسه اجتماعی است که برای اجرای امور تربیتی جامعه بوجود آمده است. امور تربیتی برای ادامه حیات اجتماعی جامعه، حفظ و وحدت آن، اصلاح و پیشرفت آن، انتقال و توسعه ارزشها و اعتقادات آن جامعه و تامین احتیاجات اجتماعی آن ضروری و لازم هستند. (شریعتمداری، ۱۳۹۲). تحول عقاید دینی در امر تعلیم و تربیت نیز باید مورد توجه مربیان باشد. مربی باید با روشی صحیح در درک عقاید دینی به شاگردان کمک کند و در رشد اجتماعی و اخلاقی که هدف عالی دین است شاگردان را راهنمایی نماید. این وظیفه مربیان است که شاگردان را با ارزشهای مذهبی توجه داده و در آشنا ساختن آنها به مبانی دین اقدام نمایند. (شریعتمداری، ۱۳۹۲). تحول موسسات تربیتی وظایف تازه ای برای مربیان بوجود می آورد. در گذشته کار معلم تدریس و انتقال مطالب درسی تلقی می شد و درک معلم از تعلیم و تربیت جز همین امر چیزی دیگر نبود. شخصیت شاگرد، مسائل زندگی و احتیاجات اجتماعی او مورد توجه مربی واقع نمی شد. معلم جز تحکم کاری نمی کرد. رابطه او با شاگرد مثل رابطه حاکم با مأمور و محکوم بود. ولی امروز تعلیم و تربیت مفهوم خاص دارد. معلم نقش یک راهنما را بعهده دارد و مانند یک شاگرد عضو گروه کلاس محسوب می شود. آنچه مهم است شخصیت شاگرد، مسائل وی، احتیاجات او و انتظارات جامعه از او است. (شریعتمداری، ۱۳۹۲).

طبق اندیشه ویگوستکی تعامل اجتماعی یا ارتباط میان افراد جامعه کلید ساختن دانش است این نظریه را نظریه دیالکتیکی هم می گویند در این نظریه دانش در یک بافت اجتماعی وجود دارد و در میان افراد مشترک است، لذا ابزار اصلی ساختن دانش "تعامل بین یادگیرنده و محیط اجتماعی" است. این محیط اجتماعی میتواند معلم، پدر، خواهر، برادر و... باشند. (محبی، ۱۳۹۳). یکی از توانایی های اجتماعی کردن دانش آموزان توسط معلمان از نظر هوش ۸ گانه گاردنر هوش میانفردی است. توانایی ها: ارتباط با دیگران، تعامل با دیگران، دوستی - گفت گو، مشارکت، درک گفته های دیگران، تفاهم - همدردی، رهبری - توجه به دیگران، خنده و گریه، اجتماعی بودن، کارهای گروهی، صحبت و گفت و گو و شناخت دیگران. (رستگار، ۱۳۸۴).

نقش معلم در یک نظام آموزشی موفق

- ۱- توانایی لازم برای یادگیری مادام العمر
 - ۲- توانایی و دانش لازم در انتخاب شیوه ی برخورد با مسائلی که حل آنها نیاز به تفکر و گذشت زمان دارد.
 - ۳- تمایل و مهارت کار در گروه های اجتماعی
 - ۴- توانایی برقراری ارتباط مناسب در شرایط متناسب
 - ۵- ارج گذاری به ارزش های والای اجتماعی، انسانی- فرهنگی
 - ۶- توانایی حل مسائلی که به خلاقیت و ذکاوت احتیاج دارد
- برای این که فارق التحصیلان چنین ویژگی هایی داشته باشند لازم است که فرآیند آموزش آنها معتبر باشد. نباید فراموش کنیم که یکی از هدفهای مهم آموزش، به خصوص در دوره های آموزش عمومی، آموختن برای زیستن، برای در جمع زیستن و برای بهتر زیستن است. اگر آموزش در دوران تحصیلی نتواند دانش آموز را برای زندگی بهتر هدایت کند در اعتبار آن آموزش باید شک کرد زیرا یادگیری فرایندی است به اندازه تمام زندگی، هم در طول هم در گوناگونی اش. (پیام یونسکو). (رستگار، ۱۳۸۲).

نقش معلمان در تحول آفرینی و هدایت تغییرات اجتماعی

مدرسه و کارگزاران آن، به ویژه معلمان، همواره باید در هدایت تحولات (اجتماعی نقش سازنده داشته باشند. اما به مصداق این سخن حکیمانه که:

ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

تربیت رسمی و عمومی زمانی میتواند محملی برای ایجاد شایستگی های لازم (جهت درک و بهبود موقعیت متریبان) شود که این کارکرد در مدرسه و کارگزاران آن مشاهده شود. شایان تذکر است که این سخن نباید به معنای سیاست زدگی مدرسه و کارگزاران آن تلقی شود و مدرسه را وارد جریانات سطحی و گذرای سیاسی جامعه کند. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در بند ۱، ۲، ۸ درباره تعمیق تربیت و آداب اسلامی، تقویت اعتقاد و التزام به ارزش های انقلاب اسلامی به راهکارهای زیر اشاره شده است:

راهکار اول

تقویت ایمان، بصیرت دینی و باور به ارزش های انقلاب اسلامی و توانمند سازی مریبان و دانش آموزان برای وفاداری و حمایت آگاهانه از این ارزش ها و مواجهه هوشمندانه به توطئه های دشمنان با استفاده از ظرفیت برنامه های آموزشی و تربیت آموزش و پرورش و مشارکت خانواده و سایر نهادها و دستگاه ها به ویژه حوزه های علمیه و حضور فعال و سازمان یافته دانش آموزان و مدارس در برنامه های سیاسی و اجتماعی و انقلابی.

راهکار دوم

استاندارد سازی تدوین شاخص های کیفی برای ارزیابی فعالیت های فرهنگی و تربیتی مدارس (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

نقش معلم در تربیت فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان

- ۱- زمینه سازی جهت تفکر و اندیشه ورزی (کاوشی و پژوهشی) و انگیزشی ۲- زمینه سازی جهت تعامل و هم اندیشی ۳- زمینه سازی جهت انجام فعالیت های عملی ۴- زمینه سازی جهت مفهوم سازی و ارتباط با چهار عرصه ۵- زمینه سازی جهت خلاقیت و تولید دانش ۶- زمینه سازی جهت خود ارزیابی، سنجی و به کارگیری انواع روشهای متنوع کیفی در فرایند تدریس

۷- جمع بندی و توضیحات تکمیلی ۸- توجه به تفاوت های فردی، مقایسه هر فرد با خودش، هدایت انواع مهارت اجتماعی و فرهنگی، کارآفرینی، خود مدیریتی و ... (محبی، ۱۳۹۳).

بحث و نتیجه گیری

انتخاب معلمان متعهد و دلسوز و علاقه مند به شغل معلمی و مهم تر از همه سرمایه گذاری کلان در امر تربیت کودکان ، نوجوانان و جوانان ؛ به صورت زیر بنایی، جامعه ای سالم و پرتحرک و مقید به ارزشهای انسانی و اسلامی را نوید می دهد. پس موفقیت معلمان در تربیت ، علاوه بر اینکه نیازمند خودسازی درونی است به وجود نهادهای تربیت معلم قوی در یک نظام تعلیم و تربیت نیز متکی است. در نظام تعلیم و تربیت امروزی، معمولاً تقسیم کار است و در مدارس، متولی آموزش غیر از متولی تربیت است. به لحاظ اداری، معلمان تنها وظیفه تعلیم را به عهده دارند و مربیان و نهاد تربیتی مدرسه وظیفه تربیت را پس می توان نتیجه گرفت که معلمان نقشی پر رنگ و الگویی در زمینه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و از همه بیشتر در زمینه اجتماعی کردن دانش آموزان در زندگی آنان نقش دارند. و باید زمینه های مناسب را برای معلمان و دانش آموزان فراهم کرد تا بتوانند از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی رشد کرده و نیازهای خود و جامعه خود را برآورده سازند. نقش فرهنگی معلمان در دانش آموزان ، تأکید به رعایت ارزش ها ، عقاید، آداب و رسوم و هنجارهاست؛ از نظر اجتماعی توانا کردن دانش آموز برای تصمیم گیری ها در زندگی روزمره و ساختن آینده ای روشن و تأثیر گذاری بر آینده خود و جامعه و مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی ، رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش های اجتماعی ؛ و از نظر اقتصادی تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی و درک و فهم مسائل اقتصادی خود و جامعه و رعایت الگوهای ملی تولید، توزیع و مصرف منابع، کالاها و خدمات . همچنین باید برای معلمان نیز آموزش های ضمن خدمت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گذاشته شود تا علاوه بر آشنایی آنها در این زمینه و همچنین مسائل روز جامعه ، بهتر بتوانند دانش آموزان را از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پرورش دهند. و در آخر آینده ملت ها به دست دانش آموزان آن ملت است پس باید برای آینده ای روشن تدابیر خاصی اندیشه کرد.

منابع

- اسدی گرمارودی، اسد الله؛ شریف زاده، علی، زیر نظر حمیدرضا حاجی بابایی (۱۳۹۳). دانشگاه فرهنگیان قله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (واقع نگاری تأسیس)، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی برهان (انتشارات مدرسه)
- اسکایرو، میشل استفان (۱۳۹۲). نظریه برنامه درسی دیدگاه های معارض ومسأله های مداوم
- الن سی،ارنشتاین؛ فرانسیس پی،هانکینز(۱۳۸۴). مبانی اصول ومسائل برنامه درسی، ترجمه؛ قدسی، احقر، جلد دوم، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم وتحقیقات
- داوودی، محمد(۱۳۹۰). نقش معلم در تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه ودانشگاه(شماره انتشار، ۹۴، علوم تربیتی، ۱۶)
- رؤوف، علی(۱۳۷۹). جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم، تهران، پژوهشکده تعلیم وتربیت واحد انتشارات
- رستگار، طاهره(۱۳۸۲). ارزشیابی در خدمت آموزشی، چاپ اول، چاپ محرر، انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت
- سند تحول بنیادین آموزش وپرورش، مشهد مقدس، آذرماه (۱۳۹۰)
- شرکای اردکانی، جواد؛ ریاحی نژاد، حسین؛ رزاقی، هادی (۱۳۹۲). مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش وپرورش(راهنمای برنامه های درسی)، تهران، نشر مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان(انتشارات مدرسه)
- شفائی، نیلوفر(۱۳۹۳). مقاله نهادهای سازی فرهنگ دریچه ای روبه مدیریت نوین در راستای شکوفایی آموزش واقتصاد، تهران
- شریعتمداری، علی(۱۳۹۲). جامعه و تعلیم وتربیت، چاپ بیست وچهارم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- صحیفه نور، جلد اول، ص ۳۹۰
- محبی، عظیم(۱۳۹۳). تبیین یادگیری وآموزش، چاپ دوم، تهران، انتشارات آوای نور
- مرتضوی، مهدی؛ قلی پور، آریین؛ پورعزت، علی اصغر؛ اشرفی، وحید (۱۳۸۸). مدیریت تغییر وتحول فرهنگ سازمانی از نظرتاعمل، همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم وتربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران آذرماه(۱۳۹۰)